

مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام، سال چهل و یکم، شماره پیاپی ۸۳/۲،
پاییز و زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۷۳-۱۸۹

دین و تحول اخلاقی در جهان معاصر*

دکتر رمضان مهدوی آزادبنی
استادیار دانشگاه مازندران
Email: dr.azadboni@yahoo.com

چکیده

ادیان ضمن ارائه‌ی تعالیم درباره سه موضوع اساسی خدا، جهان و انسان با تجویز و توصیه ارزش‌های اخلاقی خاص همواره تحول اخلاقی مطلوبی را مورد هدف قرار می‌دهند. در متون اسلامی و در راس آن‌ها قرآن کریم وظیفه و مأموریتی که به عهده پیامبران الهی گذاشته می‌شود، ثنایی بوده و دو مقوله مذکور - تعلیم و اخلاق - (تزکیه) را هدف رسالت پیامبران بیان می‌کند. تزکیه و اخلاق به معنای دعوت انسان‌ها به سمت تحولات مطلوب، رسالت‌تردیدناپذیر و بدیهی دین (پیامبران) است. پرسشی که تحقیق حاضر قصد طرح و بیان آن را دارد، کارآمدی هدف و رسالت مذکور در جهان حاضر است. جهان معاصر با توجه به قدرت تکنولوژی ارتباطات به دهکده و به تعبیر برخی به برج شیشه‌ای تبدیل گشت. خصیصه‌ی عمده جهان شیشه‌ای فقدان مرزها و موانع طبیعی و سیاسی میان انسان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت است. آیا با توجه به چنین خصیصه‌ای، همچنان می‌توان از امکان تحقق تحول اخلاقی در جهان معاصر سخن به میان آورد؟ در نوشته‌ی حاضر از کارآمدی ارزش‌های اخلاقی در ایجاد تحول اخلاقی با تکیه بر انسان‌شناسی دینی (اسلامی) دفاع خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: تحول اخلاقی، جهان شیشه‌ای، ارتباطات، ارزش‌های اخلاقی، دین.

*. تاریخ وصول: ۱۳۸۸/۰۷/۲۹؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۸۸/۱۲/۲۲.

مقدمه

در کنار مجموعه‌ای از تعالیم، توصیه و تجویز ارزش‌های اخلاقی به منظور ایجاد تحول مطلوب در قرآن کریم امر مشهودی است. تحول اخلاقی در انسان - تزکیه - رسالت عمده‌ی پیامبران الهی است (سوره بقره آیه ۱۲۸). اساساً پیامبر اکرم [ص] خود هدف رسالتشان را تکمیل مکارم و ارزش‌های اخلاقی بیان می‌نمودند.^۱ در طول تاریخ بخشی از انتقادهای علیه دین ناظر به جنبه‌ی اخلاقی آن است. با وقوع رنسانس، اشکال‌ها علیه ارزش‌های اخلاقی شکل خاصی به خود گرفت. پیشرفت‌های روزافزون علم زمینه‌ساز بروز تفکر علم‌زدگی گردید.^۲ و در چنان قالب فکری، اعتبار ارزش‌های اخلاقی مورد تردید و تکذیب قرار گرفت. این جریان در قرن ۱۹ در اوج خود قرار داشت. اتفاقی که در قرن مذکور رخ داده است، بیان نظریه‌ی تکامل انواع به وسیله‌ی داروین است. برخی پی‌آمدهای این نظریه ناظر به ارزش‌های اخلاقی است. بسیاری از تکامل‌گرایان استدلال می‌کنند در صورت درست بودن تکامل، ارزش‌های اخلاقی فاقد اعتبار خواهد بود (Gold, 1977, p.12). داروین خود معتقد بود در شگفت است که چگونه قوی حاضر می‌شود به ضعیف کمک نماید. زیرا از نگاه او این امر فرایند محو شدن ضعیف را کند می‌کند (Darwin, 1902, p.180). همچنین دانستن علم از دین و علمی دانستن وقوع تحولات اخلاقی و تربیتی در انسان‌ها نمونه‌ی دیگری از چالش‌های نقش اخلاقی دین است (Hirst, 1974, p.86). در قرن ۲۰ فیلسوفان رابطه‌ی میان علم و دین را مورد بررسی قرار داده و نظریه‌های متفاوتی ارائه نمودند (ایان بار بور، ۱۳۷۴/۱۴۳). نفی استقلال علم از دین را می‌توان یکی از ویژگی‌های تفکر فلسفی درباره علم دانست (Goldman, 1999, p.238).

۱. در این رابطه روایت زیر از پیامبر اکرم [ص] قابل تأمل است: انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق؛ جز این نیست که بر انگیخته شده‌ام تا مکارم اخلاقی را به کمال برسانم.

۲. ساده‌ترین تعبیر در تعریف علم‌زدگی عبارت از محدودسازی روش مطالعه و حل پرسش‌ها پیرامون حیات آدمی به مدد مشاهده و آزمون است.

طرح مساله

پرسشی که تحقیق حاضر قصد طرح و بیان آن را دارد، بررسی کارآمدی رسالت اخلاقی دین در جهان حاضر است. عصر معاصر با توجه به قدرت تکنوژی ارتباطات به دهکده‌ای تبدیل شده است (Swami, 1999, p.2) و به نظر می‌رسد در مقابل نقش اخلاقی دین چالشی متفاوت ظاهر می‌گردد.^۱ خصیصه‌ی دهکده جهانی، فقدان مرز و حصارهای طبیعی و حتی سیاسی میان انسان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت است. آیا با توجه به چنین خصیصه‌ای، همچنان می‌توان از کارآمدی دین در حوزه‌ی ارزش‌های اخلاقی برای دعوت به سوی تحول‌های مطلوب سخن به میان آورد؟ فرو ریختن مرزها در دوره‌ی معاصر سبب رنگ‌باختگی برخی مفاهیمی گردید که در نظام ارزشی گذشتگان اهمیت بسیار بالایی داشته است. از جمله، مفهوم دور/ نزدیک و مفهوم مجاز/ ممنوع است (باقری، ۱۳۸۴، ص ۵۹). در چنین وضعیتی مساله این خواهد بود که آیا همچنان، دین قادر است انسان‌ها را به سمت تحولات مطلوب که غالباً با چنان مفاهیمی مرتبط است دعوت نماید؟

برخی ناتوانی دین در نقش‌آفرینی ارزشی در جهان بدون مرز را مطرح می‌سازند. براساس نگاه به جای دفاع از نقش اخلاقی دین باید از زوال آن سخن گفت. حقیقت این است که اگر تأمل گردد استدلال کسانی که تحول ارزشی را در جهان کنونی ناممکن می‌دانند، دچار همان مغالطه و ضعفی است که در قرن ۱۹ علیه ارزش‌های اخلاقی استدلال نمودند. در آن قرن مذکور در پی نظریه‌ی داروین، اخلاق تکاملی ظهور یافت که بر اساس آن میان نظام اخلاقی رایج و قانونی که تکامل دیکته و تجویز می‌نماید، تعارض آشکار وجود دارد. به اعتقاد این گروه عمل بر اساس ارزش‌های اخلاقی مستلزم در پیش گرفتن سلوکی است که از هر نظر مخالف با تکامل

۱. انقلاب ارتباطات سبب ظهور چالش دیگری برای نقش اخلاقی دین گردید. ایده‌ی نسبیّت ارزش‌های اخلاقی در سایه‌ی گسترش روابط (Taliaferro, p.197) میان انسان‌ها نمونه‌ای از آن است.

است، زیرا تکامل غلبه و پیروزی انساب را بیان می‌کند (Hoxley, 1986, p. 83). منشأ این تعارض در اعتقاد ضمنی و مفروض موجود در دیدگاه اخلاق تکاملی قرار دارد. بنا بر رای مدافعان تکامل، انسان صرفاً نوعی ماشین تکثیر زن است که نمی‌تواند فراتر از زن عمل نماید. زن تنها به دنبال فراوانی نسل است (Dawkins, 1989, p. 2). حال استدلال مخالفان نقش ارزشی دین در جهان معاصر نیز از ضعف مشابهی رنج می‌برد: تصور نادرست از انسان.

به عبارتی ضعف دیدگاه «تعارض میان دهکده‌ی جهانی و نقش اخلاقی دین» از انسان‌شناسی نادرست ناشی می‌شود. می‌توان نشان داد که با تمسک به انسان‌شناسی متفاوت، دفاع از نقش ارزشی دین در دنیای معاصر آسان خواهد بود. در این بخش نشان داده خواهد شد که چگونه تصور متفاوت از انسان به‌طور مستقیم در پاسخ‌دادن به این پرسش تأثیر جدی می‌گذارد. پاسخ منفی به این پرسش که آیا دین قادر است در جهان معاصر در حوزه‌ی ارزش‌ها نقش ایفا نماید، ریشه در اندیشه‌ی اصالت جسم در مورد انسان دارد. اندیشه‌ای که ظهور تصور مکانیکی در مورد انسان نتیجه‌ی التزام به آن است. توضیح اینکه در طول تاریخ دو اندیشه‌ی مرتبط با یکدیگر در انسان‌شناسی دینی و الحادی در مقابل یکدیگر قرار دارند: ایده‌ی محدودسازی انسان به جسم (اصالت جسم) و ایده‌ی یکسانسازی سرنوشت اخلاقی انسان با حیوان. حال بنا بر دیدگاه محدود بودن انسان به جسم تمام ساز و کارهای انسان محدود به جسم خواهد بود، به گونه‌ای که انسان همانند یک شیء مکانیکی تابع چنان ساز و کاری خواهد بود. در تصور مکانیکی، وقوع هر نوع تحول تابع فرایند و اصول حاکم بر عالم ماده است. درحالی‌که در تصور غیرمکانیکی وقوع تحولات در نهایت تابع اصول و فرایندهای خاص خود است. با تکیه بر تصور مکانیکی از انسان تحولات اخلاقی زمانی ممکن است که بتوان اصول و قوانینی را که حاکم بر نظام عالم ماده است، تحقق داد. مجاورت هم قرار گرفتن، برقراری تماس، قرب و بعد متناسب از جمله ویژگی‌های ضروری در ایجاد

تحولات است. با چنین برداشتی به‌کارگیری و ضرورت مفاهیم رایج در نظام ارزشی سنتی همانند دور/ نزدیک و مجاز/ ممنوع قابل تصور است. اما در تصور غیر مکانیکی از انسان وقوع تحولات در انسان لزوماً تابع اصول و قوانین عالم ماده نیست. از این رو، در ایجاد تحولات اخلاقی «دور» کردن افراد از محیط‌های نامطلوب و قراردادن آن‌ها در حوزه‌ی امور «مُجاز» از نقش کلیدی برخوردار نیست و به این طریق مفاهیمی مانند دور/نزدیک و مجاز/ممنوع دیگر مفاهیم کلیدی در وقوع تحولات اخلاقی نخواهد بود و به‌کارگیری آن‌ها در نظام ارزشی یا فاقد اعتبار خواهد شد و یا معنای آن‌ها تابع اصول مکانیکی نخواهد بود.

حال با نگرش مکانیکی و ایده‌ی اصالت جسم در مورد انسان، روشن است نمی‌توان تصور کرد که تحقق شرک و ایمان، فضایل و رذایل اخلاقی، در محیط و شرایط واحدی امر ممکن محسوب گردد. با تکیه بر تصور مکانیکی از انسان وقوع تحولات ارزشی در انسان تابع مفاهیمی چون دور/نزدیک و... است و در این حالت نفی نقش ارزشی دین در جهان معاصر امر روشنی است، زیرا اقتضای تحولات اخلاقی ایجاد مرز و حصار است. در حالی که برج شیشه‌ای جهان و جهان دهکده‌ای اجازه‌ی ایجاد مرز و حصار را سلب می‌نماید. بنابر این، شکل‌گیری استدلال علیه نقش ارزشی دین در جهان معاصر از طریق التزام به نگرشی خاص نسبت به انسان و ماهیت تحولات اخلاقی ممکن است. با این وجود وظیفه‌ی سنگین و دشواری که به عهده‌ی مدافعان اندیشه‌ی تعارض میان دهکده‌ی جهانی و نقش اخلاقی دین قرار دارد، اثبات اصالت جسم و تصویر غیر مکانیکی از انسان است. اما در مقابل، با التزام به تصور غیر مکانیکی از انسان و اصالت روح، تحصیل تحولات ارزشی، ضرورتاً منوط به ایجاد مرز و حصار نخواهد بود. می‌توان تصور کرد تغییرات و اهداف ارزشی با عوامل متعارض آن‌ها قابل جمع هستند. در چنین برداشتی، کارآمدی نقش ارزشی دین که اقتضای آن

ایجاد مرز و حصار نیست در برج شیشه‌ای دنیای معاصر که لازمه‌ی آن فقدان مرز و حصار است، محفوظ خواهد بود.

تصور غیر مکانیکی و اصالت روح

در بخش قبلی دو نگرش متفاوت در مورد نقش اخلاقی دین در برج شیشه‌ای جهان مطرح گردید. براساس یک تلقی اقتضای جهان کنونی زوال نقش ارزشی دین است. روشن است که تصور مکانیکی از انسان و تحولات اخلاقی با زوال نقش ارزشی دین در جهان کنونی برابر است، مگر آن‌که فرد قادر باشد خود را از فضا و شرایطی که قدرت ارتباطی عصر حاضر فراهم نموده، محفوظ بدارد. این‌که چنین عملی قابلیت تحقق دارد، جای تردید است و تحقق آن همراه با هزینه‌ی سنگینی خواهد بود و در نهایت نتیجه‌ی حاصل از آن نیز بعید است به‌عنوان تحول مطلوب اخلاقی مورد قبول واقع گردد، زیرا این‌گونه تحولات با تغییر شرایط منتفی می‌گردند و حال آن‌که یکی از ویژگی‌های تحولات اخلاقی ماندگاری است. خلق به معنای راسخ شدن صفات ارزشی در انسان از همین واقعیت حکایت می‌نماید. تغییرات و تحولات هنگامی مطلوب خواهند بود که ویژگی ماندگاری داشته باشند. براساس دیدگاه دیگر اقتضای عصر حاضر، انحلال نقش ارزشی دین نیست و قدرت ارتباطی جهان کنونی تهدیدی علیه اهداف ارزشی دین محسوب نمی‌شود، زیرا ماهیت تحولات اخلاقی یک جریان غیرمکانیکی است. روشن است اگر تصور ما از انسان و ماهیت تحولات اخلاقی غیرمکانیکی باشد، میان نقش ارزشی دین و قدرت ارتباطی عصر حاضر تعارضی وجود ندارد و از این جهت تهدیدی علیه دین محسوب نمی‌گردد. در جریان‌های غیرمکانیکی، نقش اساسی در ایجاد تغییرات مطلوب به عهده‌ی اجزای مادی گذاشته نمی‌شود و به همین جهت، تحولات مطلوب تنها از راه ایجاد توازن فیزیکی در روابط و تماس فیزیکی خاص با محیط و شرایط به‌دست نمی‌آید. حال، پرسش دیگر آن است

که با تکیه و استناد به متون اسلامی کدام‌یک از دو تصور مذکور مورد دفاع قرار می‌گیرد؟ قرآن کریم و سیره‌ی بزرگان اسلام کدام‌یک را تأیید می‌کند و اساساً تحول اخلاقی آیا دارای ماهیت فیزیکی است یا غیر فیزیکی؟ به نظر نویسنده متون دینی به روشنی مؤید تصور غیرمکانیکی از انسان^۱ و تحولات اخلاقی است و تلاش برای تحصیل اهداف ارزشی دین در فضای گلخانه‌ای و در انعزال فیزیکی نه مورد تشویق و تأیید قرار گرفته است و نه در دنیای معاصر امکان تحقق دارد. در اخلاق اسلامی این نکته با تأمل در معنا و تفسیر اصطلاحی خلق به عنوان ملکه‌ی راسخ در نفس روشن می‌گردد (مصباح، ۹/۱۳۷۶).

یکی از اشتباهات موجود در عالم اسلام که جدی‌تر از آن در ادیان دیگر و به‌ویژه در مسیحیت اتفاق افتاده، برداشت‌های نادرست از مفاهیم دینی ارزشی است که وقوع این قبیل بدفهمی‌ها همواره در فرهنگ‌های مختلف بازتاب‌های متفاوتی داشته است. در مسیحیت این قبیل خطاها به حساب اصل دین گذاشته شده و از این رو، فلاسفه‌ی زیادی را علیه دین تحریک نموده است. بررسی بسیاری از فلاسفه همچون نیچه، فروید و راسل با چنین نگاهی جالب خواهد بود. در فرهنگ اسلامی افراد فراوانی از این جهت - ورود تفاسیر و برداشت‌های نادرست - سعی در روشنگری داشتند. شهید علامه مطهری برخی از انتقاداتی را که مورد توجه قرار می‌دهد، ناظر به همین امر است. به‌عنوان مثال به نظر ایشان تصور نادرست از زهد سبب شدت عده‌ای گمان نمایند میان زهد و کار منافات وجود دارد، درحالی‌که زهد خود منبع انرژی است و سبب می‌شود تا افراد به عنوان نیروی مولد و مؤثر در جامعه ظاهر گردند. تفاوت شهید مطهری با برخی از روشنفکران در این است که مواجهه‌ی ایشان با تفسیر نادرست

۱. در نوشته حاضر از بیان استدلال‌ها له انسان شناسی اصالت روح در فرهنگ اسلامی اجتناب می‌گردد. و تنها به این نکته اشاره می‌شود که در قرآن کریم ارزش‌های اخلاقی و دعوت به سوی تحولات ارزشی مطلوب متناسب با ایده اصالت روح در مورد انسان است. ایده‌ای که به طور مستقیم با تعابیری چون دمیدن روح و به طور غیر مستقیم با تعبیر از مرگ به توفی به معنای جدایی چیزی از چیز دیگر مورد تصدیق قرار گرفته است.

از مفاهیم اصیل دینی و تربیتی چون زهد، توکل و... سبب تکذیب و تردید در وجود این مفاهیم نمی‌شود، بلکه سعی می‌کند مفاهیم مذکور را تهذیب نماید. برای نمونه، تهذیب برداشت مکانیکی از زهد و تأیید تفسیر روحانی از آن یکی از ویژگی‌های مهم شهید مطهری است. در چنین نگرشی زاهد چنین توصیف نمی‌گردد: هرچه فقیرتر، زاهدتر. بلکه چه بسا زهد با غنا نیز قابل جمع است. زهد، کاخ و کوخ نمی‌شناسد. در درون هر کدام می‌توان زهد را تحقق داد. علم و جهل نیز نمی‌شناسد، تلویزیون، ماهواره و... نیز معیار آن نیست. اشتباه ما این است که از طریق انزوا و عزلت سعی در تحصیل ارزش‌هایی داریم که بدون برقراری یک ارتباط هماهنگ و آگاهانه با سایر انسان‌ها حاصل نخواهد شد.

توجه به مسئله‌ی نیت در متون دینی به عنوان کانونی‌ترین معیار در اخلاق، موید غیر مکانیکی بودن تحولات ارزشی است. خروج یا دخول در حریم‌های خاص فیزیکی معیار نیست تا با دور و نزدیک نمودن فرد بتوان اهداف ارزشی را در او نظاره‌گر شد. معیار، نیت است که در درون سینه آن را مکتوم می‌داریم. نیت یعنی آن حریم واقعی که درستی و نادرستی آن بستگی به زمان یا مکان ندارد. نیت انبعاث و پرورش روح است، در غیر این صورت اخطار حصولی و مفهوم ذهنی است (جوادی آملی، ۷۲/۱۳۸۳). چه در گذشته و چه در زمان کنونی و نیز در جهانی که انسان‌ها از یکدیگر بی‌خبر هستند و چه در برجی شیشه‌ای که انسان‌ها از یکدیگر با خبر هستند، در نهایت نیت تعیین می‌نماید آیا تحول اخلاقی رُخ داده است یا نه. امام صادق [ع] نیت نادرست را برابر با غفلت واقعی معرفی می‌نمایند (مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، ۱۸) پیامبر اکرم نیز می‌فرمایند «خداوند به صورت و مال شما نمی‌نگرد بلکه بر دل و کردارتان می‌نگرد» (نهج الفصاحه، ص ۵۲۲). در چنین نگرشی روشن است زمانی می‌توان مدعی توفیق در تحول ارزشی بود که قدرت مهار و سامان‌بخشی نیت را در وجود خود پیاده نموده باشیم. مرتبه‌ای که در آن شاهد وجود حدود و مرز نیستیم.

رسول اکرم می‌فرماید «الاعمال بالنیات» بی‌گمان کارها به نیت آن‌ها بستگی دارد» (نهج‌الفصاحه، ۵۲۲) نیت روشن می‌کند که مثلاً در حال روزه و نماز هستیم یا نه، نه شکم گرسنه و زانوی خمیده. به عنوان مثال این نکته قابل تأمل است که حضرت علی [ع] در مقابل روزه‌ی شکم از روزه‌ی زبان و روزه‌ی قلب سخن می‌گوید^۱ به عبارت دیگر ماهیت روزه بازگشت به نوعی امساک و تحریم درونی دارد. حقیقت این است که بنیاد و باطن همه‌ی ارزش‌ها در ماهیت غیر مکانیکی داشتن آنها است. از این حیث هیچ یک از شرایط و جریان‌های فیزیکی قادر نیست تا "امنیت اخلاقی" را برای انسان تضمین نماید. سکونت و زندگی در مجاورت خانه‌ی کعبه و یا هم‌عصر بودن با پیامبران الهی در ایجاد تحول ارزشی فاقد نقش کلیدی است. این جمله‌ی امام خمینی قابل توجه است: اگر تزکیه و اصلاح نفس در کار نباشد، حتی علم تفسیر نیز فاقد خاصیت می‌گردد و چه بسا مایه‌ی وبال انسان گردد (جهاد اکبر، ۱۶). چنین تصویری از تحول اخلاقی چند ویژگی دارد. نخست آن‌که زمانی که رُخ بدهد، ماندگار خواهد بود، دوم این‌که تحقق آن از طریق ایجاد نوعی نسبت و تماس فیزیکی به دست نمی‌آید. پس چه بسا آن‌که درون مسجد است، واقعاً خارج از آن است و آن‌که بیرون مسجد، سرگرم امور زندگی خود است، درون مسجد قرار گرفته باشد. براساس چنین تفکر و معیاری امیرالمؤمنین به شدت با این فرموده‌ی خود ما را تکان می‌دهد: «الراضی بفعل قوم کالداخل فیه معهم و علی کل داخل فی باطل اثمان: اثمُ العمل به و اثمُ الرضی به» «آن‌کس که از کار مردمی خشنود باشد، چونان کسی است که همراه آنان بوده و هرکس که به باطلی روی آورد، دو گناه برعهده‌ی او باشد: گناه کردار باطل و گناه خشنودی به کار باطل» (نهج‌البلاغه، دشتی، ۶۶۵، خطبه‌ی ۱۵۴). با همین معیار امیرالمؤمنین بعد از پیروزی در جنگ بصره در سال ۳۶ هجری وقتی یکی از یاران‌شان آرزو کرد ای کاش برادرش نیز در این جنگ حضور می‌داشت، امام [ع] فرمود اگر دل بردارت با ما باشد،

۱. صوم القلب خیر من صیام اللسان و صوم اللسان خیر من صیام البطن.

حضورش در این جنگ نوشته شده است و نیز می‌فرمایند حتی آن‌ها که در صلب پدران و رحم مادران هستند، هم چنان شریک جهاد ما هستند، اگر با ما هم عقیده باشند (نهج البلاغه، دشتی، ۵۵، خطبه‌ی ۱۲).

نمونه‌ی دیگر که نتیجه‌ی تأمل در آن مؤید تصور غیرمکانیکی از تحول اخلاقی است، مسأله‌ی یاد الهی است. یاد الهی همواره برترین عبادت خداوند محسوب می‌شود (نراقی، ۶۸۴/۱۳۷۱) ارزش نماز نیز در این است که انسان در حال نماز به یاد خداوند است و یاد خداوند است که در جهان‌بینی الهی به انسان توانایی مبارزه و مقاومت در مقابل هر نوع بحران و بن‌بست می‌دهد. امام صادق [ع] می‌فرماید «من کان ذاکراً علی الحقیقه فهو مطیع و من کان غافلاً عنه فهو عاص...»؛ کسی که حقیقتاً و از صمیم قلب به یاد خداوند باشد، او بنده‌ی مطیع خداست و هر که در جریان امور و حالات خود از خداوند غافل باشد او بنده‌ی عاصی است (مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، ص ۲۱). ارزش و منزلت یاد الهی خود بحث مستقلی است که در منابع اخلاقی به سهولت قابل دسترسی است. آنچه مورد استناد است، نگرش قرآنی نسبت به یاد الهی است که آراسته شدن به زیور و زینت یاد الهی جریان و فرایندی مکانیکی و ظاهرگرایانه نیست، اگرچه ممکن است ظاهر آدمی نیز در این امر بزرگ دخالت داشته و سهم خود را نشان بدهد. اما حقیقت ذکر و یثگی جان آدمی است که شب و روز و غم و شادی و... نمی‌شناسد. بنابر روایات این امکان وجود دارد که هر چند جسم آدمی - جرم صغیر - با دیگران است و در همان محیط و شرایطی قرار دارد که دیگران در آن هستند، اما روح - عالم اکبر^۱ - او خارج از آن محیط و شرایط باشد. تأمل در سوره‌ی نور از این جهت که صفت برخی از مردان ایمان را توصیف می‌نماید، آموزنده است. در آیه‌ی مذکور بیان نمی‌شود که مؤمنان واقعی کسانی‌اند که از معامله و تجارت

۱. در شعری منسوب به حضرت علی (ع) از بدن انسان به عنوان جرم صغیر و از روح انسان به عالم اکبر تعبیر گردیده است.

کناره‌گیری می‌نمایند. کناره‌گیری از معامله و تجارت ویژگی ممتاز اهل ایمان نیست، بلکه جمع میان تجارت و یاد الهی خصیصه‌ی ممتاز اهل ایمان معرفی می‌شود. تجارت و معامله به عنوان یک عمل اقتصادی که آدمی طبعاً در آن مراقب سود و زیان خود است، می‌تواند زمینه‌ی کافی و قوی در غفلت انسان از یاد خداوند را فراهم نماید. اما اهل ایمان درحالی‌که تجارت و معامله می‌نمایند، یاد الهی زیور جان آن‌ها است. دورساختن یا نزدیک نگه داشتن متربی که از مفاهیم اصلی در تربیت گلخانه‌ای است، در آیه‌ی مذکور فاقد نقش است. حال با الهام از آموزش‌های قرآنی می‌توان نادرستی بسیاری از مواردی را که به نظر می‌آید با تربیت دینی قابل جمع نیستند و میان آن‌ها ناسازگاری وجود دارد، نشان داد. به عنوان مثال پی‌گیری ایده‌ی اسلامی کردن دانشگاه از طریق ایجاد حصار و مرز چه اندازه می‌تواند با این ضابطه‌ی قرآنی منطبق باشد. از نگاه قرآن کریم میان تجارت و یاد الهی تعارضی وجود ندارد. به همان دلیل می‌توان درک کرد که اسلامی شدن دانشگاه نیاز به تفکیک جنسیتی ندارد، آنچه نیاز است چه بسا ایجاد تغییرات از نوع دیگر است، به نظر می‌آید تعالیم اسلامی مؤید این واقعیت است که فی‌نفسه میان تجارت و یاد خدا، حضور جنس مخالف در فضای آموزشی و... تعارضی وجود ندارند و با اهداف تربیتی اسلامی ناسازگار نیست، اگرچه ممکن است به صورت فردی و موردی برای برخی زیان‌بخش باشد. با یک مثال ساده می‌توان مسأله را روشن نمود. یک غذای ترش به عنوان یک ماده‌ی غذایی به خودی خود برای سلامتی انسان نه‌تنها زیان‌بخش نیست، بلکه چه‌بسا غذای مناسبی باشد. اما برای فرد بیمار و مبتلا به مشکل معده و... خطرناک است. ماجرای ماهواره و قدرت ارتباطی عصر جدید نیز از همین قرار است. وقتی ما سهم خود را از این قبیل ابزارها تعیین نکنیم بدیهی است که زیان جای سود و تهدید جای‌گزینه فرصت خواهد بود. فی‌نفسه میان اهداف ارزشی دین و ماهواره و شبکه‌های اینترنتی و... تعارض وجود ندارد و

نباید این ابزارها را به طور مطلق تهدیدی علیه نقش ارزشی دین به حساب آورد، اگرچه ممکن است در موارد خاص چنین باشد.

انعزال فیزیکی و تحول اخلاقی

در بخش قبل با استناد به متون دینی تصور غیرمکانیکی از انسان و تحول اخلاقی مورد دفاع قرار گرفت. یادآوری این نکته اهمیت دارد که بنا به تصور غیر مکانیکی از انسان، نه ضرورت دارد و نه نیاز است تا هرگونه انعزال از دیگران در فرایند تحول ارزشی فاقد اعتبار باشد. چنانچه اشاره شد، به طور فردی و خاص این امکان وجود دارد تا بخشی از فرایند تغییرات و تحولات ارزشی در عزلت و دوری از محیط یا افراد خاصی تحقق یابد. آنچه در بخش قبلی مورد تأکید بود، نفی ناسازگاری میان قدرت ارتباطی عصر حاضر با نقش ارزشی دین است. در این رابطه روشن شد عصر حاضر تهدیدی بر ضد دین نیست. اما این مسأله به معنای نفی مطلق اعتبار پرورش‌های قرنطینه‌ای به عنوان مقدمه نیست، بلکه به این معنا است که گوهر تحول اخلاقی تجویز و توصیه شده در دین فراتر از تنظیم روابط میان پدیده‌های مکانیکی است و به همین جهت، صرف نظر از دوری و یا نزدیکی، تحول اخلاقی امری ممکن است. بدیهی است در شرایط و موارد خاص، عزلت و کناره‌گیری تجویز گردد، اما نباید فراموش نمود که ماهیت تحول ارزشی در نهایت به عنوان فرایندی که به دنبال ایجاد تغییرات مطلوب با ویژگی ماندگاری است، از طریق کناره‌گیری حاصل نخواهد شد و آنچه از این طریق حاصل می‌شود ماندگار نبوده و به سهولت مورد تهدید قرار می‌گیرد.^۱

تحول اخلاقی و عقلانیت

واقعیت دیگری که تأمل در آن عدم تعارض میان نقش ارزشی دین و قدرت

۱. بسیاری از انسان‌های بزرگ در حوزه‌ی اخلاق از طریق گوشه‌گیری و عزلت برهه‌ای در ایجاد تحول اخلاقی و غلبه و مهار نفس به توفیقات دست یافتند.

ارتباطی عصر حاضر را نشان می‌دهد، توجه به شأن و جایگاه عقلانیت در تعالیم دینی است. اقتضای عصر حاضر دخالت و حضور مباشر عقل در تمامی صحنه‌ها از جمله در حوزه‌ی اخلاق است. جهان کنونی به مراتب بیش‌تر از قرون گذشته اجازه نمی‌دهد تا آدمی بدون توجه به شأن عقل قادر باشد فضایل اخلاقی را در خود تحقق دهد، چراکه قدرت ارتباطی عصر حاضر با نزدیک‌ساختن همه‌ی دورها و از طریق از بین‌بردن مرزها و حصارها، آدمیان را با الگوهای فکری و عملی بسیار متفاوت و متنوعی روبه‌رو ساخته و به‌جز از طریق فعال‌سازی قدرت عقلانی فرد قادر نخواهد بود تا از میان الگوهای فکری و عملی متنوع یکی را برگزیند. اطلاعات وسیع و عمیق به‌هر شکلی قابل دسترسی است. در چنین شرایطی تنها از طریق توجه به وظیفه‌ی عقل می‌توان به یک‌گزینش و تصمیم قاطع و ماندگار نایل شد. حال با مراجعه به متون دینی باید دید وضعیت عقلانی دین چگونه است. اگر نتیجه تأمل در تعالیم دینی نشان از نقش حداقلی عقل در حوزه‌ی ارزش‌ها باشد، بدیهی است که زوال چنین نظامی در دل عصر حاضر که اقتضای آن عقلانیت است، مکتوم خواهد بود. اما اگر تعالیم دینی منزلت و اعتبار عقلانیت را به‌طرز چشمگیری مورد توجه قرار داده باشد، در آن‌صورت عصر حاضر نمی‌تواند تهدیدی علیه نظام ارزشی دینی باشد. واقعیت امر این است که مراجعه به متون دینی مؤید این است که عقلانیت شأن برجسته‌ای در فرهنگ اسلامی دارد. جهت اجتناب از ابهام‌گویی تذکر این نکته ضروری است در حالی که عقلانیت در متون فلسفی دارای معانی متعددی است اما در نوشته‌ی حاضر مراد همان معنایی است که از زمان ارسطو به‌عنوان ویژگی ممیزه میان انسان و حیوان معرفی می‌شد. یعنی قدرت حسابگری و تحلیل‌گری در آدمی. از این جهت عقلانیت همان تفکر است که با شناخت و آگاهی تفاوت دارد. شناخت فرایندی است که انسان در آن غالباً منفعل است و ذهن همانند صندوقی اطلاعات زیادی را در خود ذخیره می‌سازد، اما تفکر و عقلانیت، مواجهه با اندوخته و پردازش و تحلیل آن‌ها به‌منظور گزینش میان آن‌ها است.

البته عقل و شناخت باید با یکدیگر همراه باشند. شهید مطهری در این رابطه اشاره می‌کند: «اگر انسان تفکر کند، ولی اطلاعاتش ضعیف باشد، مثل کارخانه‌ای است که ماده‌ی خام ندارد یا ماده‌ی خامش کم است، قهراً نمی‌تواند کار بکند یا محصولش کم خواهد بود. محصول بستگی دارد به این که ماده‌ی خام برسد. اگر کارخانه ماده‌ی خام زیاد داشته باشد ولی کار نکند باز فلج است و محصولی نخواهد داشت» (تعلیم و تربیت در اسلام، ۱۳۶۷، ۴۵).

حال حساب نظام تعالیم اسلامی در رابطه با اعتبار عقل و علم چگونه است؟ نگاهی منصفانه به روشنی گواه این است که علم و در مرتبه‌ی بالاتر عقل در متون دینی اسلامی از شأن مهمی برخوردارند. هشام‌بن حکم از متکلمان معروف روایتی از امام موسی (ع) نقل می‌کند (اصول کافی، ج ۱) با توجه به آیه‌ی ۲۰ سوره‌ی زمر ویژگی‌های مؤمن را توصیف می‌کند. بنابراین روایت که متضمن آیه‌ی قرآن کریم است، خداوند به بندگان خود وعده‌ی بشارت می‌دهد. بندگان که در خود دو ویژگی مهم دارند: نخست اهل استماع قول هستند و دوم این که بعد از استماع از بهترین اقوال تبعیت خواهند نمود. بندگان الهی که انسان‌های تربیت یافته‌اند، مورد بشارت قرار می‌گیرند از آن جهت که از مواجهه با قول خوفی ندارند و پس از مواجهه، بهترین الگوی فکری و عملی را به کار خواهند گرفت. قدرت مواجهه و گزینش احسن، صفت بندگان الهی است که مورد بشارت خداوند بزرگ قرار گرفته است. در ادامه‌ی روایت، امام [ع] به هشام می‌فرماید خداوند به واسطه‌ی عقل بر بندگان خود اتمام حجت کرده و از این رو، به کاربردن عقل خود نوعی جرم محسوب می‌شود. نکته‌ی دیگر در روایت مذکور اشاره‌ی امام [ع] به سرزنش خداوند در مورد کسانی است که تعقل را ترک می‌نمایند. آیه‌ی ۱۷۱ سوره‌ی بقره به وسیله‌ی امام [ع] در تأیید این سرزنش مورد استناد قرار می‌گیرد. در آیه‌ی مذکور خداوند می‌فرماید: وقتی به اینان توصیه می‌گردد که از آنچه خداوند فرستاده تبعیت نمایید، پاسخ می‌دهند تنها از آنچه از نیاکان به ما رسیده است

پیروی می‌نماییم. روایت مذکور دربردارنده‌ی مطالب ارزنده‌ای دیگر است، اما به تناسب موضوع نکات ذکر شده اکتفا می‌گردد. خلاصه این‌که بنابر روایت مذکور خداوند عده‌ای از بندگان خود را بشارت می‌دهد و جمع دیگری را مورد سرزنش قرار می‌دهد. معیار بشارت و سرزنش، التزام و عدم التزام به تعقل است. حال در یک نظام ارزشی که تعقل جزء ضروری آن است چگونه ممکن است با دنیای برج شیشه‌ای که اقتضای آن به علت حذف مرزها به‌کارگیری تعقل است ناسازگار باشد. نظام ارزشی دینی مادامی‌که برای عقل و تفکر نقش قایل است، نه‌تنها با عصر حاضر تعارضی ندارد بلکه در عصری که اقتضای آن تعقل است ارزش‌های دینی فرصت ظهور بیش‌تری می‌یابد و ماندگاری آن نیز محفوظ می‌ماند. تغییر و تحولات ارزشی‌ای که بدون توجه به خصوصیت تعقل تحقق یابد، ماندگار نبوده و در جهان برج شیشه‌ای مورد تهدید جدی قرار دارد. این مسأله در روایت منقول از هشام به روشنی مطرح گردید. افزون بر این، آیات قرآن کریم و متون روایی به‌طور گسترده شامل تشویق و تحسین فکر و تعقل است.^۱

نتیجه‌گیری

ارزش‌ها و ایجاد تحولات ارزشی یکی از اهداف ادیان است که در طول تاریخ عده‌ای به طرق مختلف آن را مورد انتقاد قرار داده‌اند. در قرن بیست و یک این انتقاد شکل خاصی به خود می‌گیرد. دنیای معاصر به دلیل قدرت ارتباطات به برج شیشه‌ای تبدیل گشت و در آن مرزها و حصارها میان انسان‌ها و فرهنگ‌های متفاوت کنار گذاشته شد. در چنین جهانی نقش و کارآمدی ارزشی دین منوط به نوع تصویری است که از انسان مورد تأیید قرار می‌دهیم. اگر تصویری که از انسان و ماهیت تحولات اخلاقی مورد تأیید قرار می‌گیرد، غیرمکانیکی باشد نقش ارزشی دین در جهان حاضر

۱. آیات و روایات در خصوص ارزش و اعتبار تعقل و تفکر فراوان است. دیدگاه کلی روایات در خصوص تفکر، نگرش عبادت انگاشتن تفکر است.

ممکن خواهد بود. قرن حاضر زمانی می‌تواند تهدیدی علیه نقش ارزشی دین باشد که به انسان همانند یک شیء مکانیکی نگریسته شود. انسان‌شناسی اصالت ماده منشأ این نوع اشتباه است. مراجعه به متون دینی مؤید تصور غیر مکانیکی از انسان و ماهیت تحولات اخلاقی است.

منابع

قرآن کریم.

مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه، منسوب به امام صادق [ع]، ترجمه و شرح حسن مصطفوی، انتشارات قلم، ۱۳۶۳.

نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۹.

نهج الفصاحه، کلمات قصار رسول اکرم [ص]، ترجمه محسن شیر محمدی، انتشارات سایه گستر و مهرگان دانش، ۱۳۸۶.

تفه الاسلام کلینی، اصول کافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، بنیاد رسالت، ۱۳۶۴.

خمینی، روح الله، مبارزه با نفس یا جهاد اکبر، انتشارات پیام آزادی.

مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ چهاردهم، صدرا، ۱۳۶۷.

مطهری، مرتضی، علل گرایش به مادیگرایی، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.

مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، چاپ نهم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۰.

نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، هما، ۱۳۷۱.

جوادی آملی، عبدالله، حکمت عبادات، مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳.

مصباح، محمدتقی، فلسفه اخلاق، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۶.

باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، انتشارات مدرسه، ۱۳۸۴.

ایان بار بور، *علم و دین*، ترجمه‌ی بهاء‌الدین خرمشاهی، چاپ دوم، مرکز نشر دانشگاهی. ۱۳۷۴

منابع لاتین

- Dawkins ,Richard, *The Selfish Gene*, 1989.
- Gold, Stephen ,Ever Since Darwin, London. 1977.
- Holme, S.J .*Evolution*,Toronto ,Canada: International Christian Crusade. 1959.
- Darwin, Charles, *The Decent of Man*, London: P.F. Collier and Son. 1902.
- Goldman, Alvin, *Knowledge in a social world*, Clarendon press. 1999.
- Huxley, Thomas, *Evolution and Ethic s*,New York. 1986
- Contemporary philosophy of Religion, Taliaferro, Charles, Blackwell publisher inc. 1998.
- Swami, Jitatmanand, "*Science, Ethics and Holistic values*", Bhartiya . 1999.
- Hirst, P.H., *Moral Education in a secular society*,university of London press. 1974.